

عقل در سه اجماع

فقها + پراگماتیسم + حقوق بین الملل

دکتر اسماعیل واعظ جوادی آملی

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بابل

◆ چکیده:

ملاک حقیقت، خود حقیقت است که در مرحله حق الیقین قابل انکار نیست علیهذا صرف اجماع، مقبول و کاشف جمال حقیقت (عین واقعیت) نیست و نظرگاه ما بر اساس وحدت حقیقت = واقعیت است.

لذا توافق نظر محققین در پراگماتیسم و نیز اجماع بین الملل و نیز اجماع فقهاء مورد احترام ولی مقبول نیست اما اجماع فقهاء که کاشف از قول معصوم علیه السلام بلحاظ اشراق نور قاهر در مشاهد مرائی نازله باشد معقول و مقبول است.

کلمات کلیدی: اجماع، کاشف قول معصوم، اشراق، نور قاهر، مشاهد (مشهدها)،

مرائی (آینه ها)، فقه معصوم مدار پرتال جامع علوم انسانی

مقدمات:

- ۱- اجماع؛ توافق نظر گروهی + گرد هم آمدن افراد با هدف واحد
- ۲- فقیه به معنی عالم در برابر سفیه نیز بکار رفته است، مرحوم سعدی گوید:
نگه کرد رنجیده در من فقیه نگره کردن عالم اندر سفیه

(بوستان، تصحیح خطیب رهبر، تهران، سال ۱۳۸۱ ص ۱۵۱) و عنوان (فقیه) تنها بر دانای علم فقه اطلاق نمی‌شود بلکه منضم به جنبه عقلانی دانای فقه یا دانش احکام می‌باشد. لذا اگر چند دانشمند فقهی بر سر یک مسأله ای حکم واحدی کنند، در واقع یک حکم عقلانی هست هر چند که در فقه مقدس معصوم مدار ما این مزیت هست: اجماع عقلای مابین فقهاء ما بنحوی از انحاء خمسہ (لان الاجماع علی انواع خمسہ، مفتاح الاصول ج ۳ ص ۲۲۴) نظر شریف معصوم (ع) را حاکی می‌باشد.

هدف: اثبات همین مزیت ذاتی در اجماع فقهاء بر دو اجماع از نظر پراگماتیست‌ها و اجماع حقوق‌دانان سیاسی یا اجماع بین الملل می‌باشد.

مطلب اول: اجماع بین المللی

این اصطلاح، در فلسفه نظام بین المللی حقوق بشر کاربرد دارد و نیازمند به توضیح است که چون بین جنبه نظری مفهوم حقوق بشر و جنبه عملی و پذیرش عام ملل مختلف با فرهنگ‌ها و نگرش های گوناگون، مغایرت‌هایی مشهود است و در دو نظر گاه، نسبیّت گرائی (Relativism) و عقلانی دانستن مبانی عینی (Objective foundations) حقوق بشر اختلافاتی بچشم می‌خورد، لذا تمسک به اجماع بین المللی بر سر مفاهیم مشترک به عملی بودن منشور سازمان ملل مشروعیت می‌بخشد منجمله مفاهیم، حیثیت انسانی- آزادی بعنوان حق طبیعی بشر در انتخاب شغل، روش زندگی، بیان آراء و اندیشه خویش، حقوق زن و ... (برای تفصیل مطلب رجوع شود به کتاب پرمحتوای: راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر تألیف آقای جمشید شریفیان چاپ تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۸۰ ص ۴۵ به بعد).

قطعاً این اجماع، عقلانیت دارد بویژه که به امر اعتبار عقلی اهمیت فراوان داده شد اما این عقل سیاسی منفعت طلب زورمدار زردوست، واقعاً درصدد تحقق اهداف عالی انسانی می‌باشد؟ یا

صرفاً یک ابزار موجه برای تأمین مقاصد شوم ابرقدرتهاست نمونه این تزویر در تبدیل فتودالیسم اشرافی به فتودالیسم عقلانی بعهد وسالت کنفوسیوس هوجین را بیان کردیم. (آشنائی با آئین های بزرگ عبادی، ص ۶۲) و نمونه های فراوان توجیه غارت ملت ها با عنوان دفاع از حقوق بشر در عصر جدید. اما در مورد توجیه علمی مبانی عام مقبول اجماع بین الملل مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل، می توان این نکته را گفت که بموجب داده های فیزیولوژی عمومی، روانشناسی عمومی، جامعه شناسی عمومی، کاملاً مقبولیت عقلانی دارد که وجه مشترک بین افراد بشر غیر قابل انکار است. اما اگر به مندرجات متن اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ که از اجماع دولت های عضو سازمان کنفرانس اسلامی صادر شد، توجه کنیم که سرآغاز مطلب آن، عبارت «با ایمان به الله، پروردگار جهانیان و آفریدگار کائنات و بخشنده نعمتها، خداوندی که انسان را به بهترین وجه آفریده و به او حیثیت داده و وی را خلیفه خود در زمین گردانیده می باشد، بخوبی متوجه مزیت اساسی نگرش اجماع خدا مدار بر اجماع بشر مدار می شویم و در می یابیم که بشر خود، خالق خویش نیست تا قانونمندی ها را وضع کند بلکه بلحاظ مبداء فاعلی، قانونگذار؛ حق تعالی است. پس باید عقل را به درک قانون الهی متوجه سازیم نه اینکه به وضع قانون پردازیم و اصولاً قانون (معرب Ganon = ساز) امریست کشفی نه وضعی، لذا اجماع بین المللی اگر، خدامدار نباشند، مخدوش است و موضوعات این اجماع، (مقررات) است نه «قانون». (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به کتاب ارزشمند مرحوم آیه الله محمد تقی جعفری با عنوان تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر تهران ۱۳۷۱ و کتاب فلسفه حقوق بشر تأیف حضرت آیه الله جوادی آملی، قم، نشر اسراء چاپ دوم ۱۳۷۷)

مطلب دوم: اجماع در پراگماتیسم

مکتب اصالت عمل در شرح ملاک حقیقت، شرط کارآمدی و مقبولیت عملی را براساس

توافق نظر محققین یا اجماع محققین مطرح می سازند.

(پیرس) پایه گذار مکتب پراگماتیسم، مدرک حقیقی بودن یک قضیه را با معنی بودن،

قابل آزمایش بودن و توافق پژوهندگان درباره آن فرض می کند. (اصول و فلسفه تعلیم و تربیت:

دکتر علی شریعتمداری، تهران، امیرکبیر چاپ شانزدهم ۱۳۷۹ ص ۱۴۹).

اشکال اساسی این اجماع در اصل بنیادین نگرش پراگماتیست‌ها می‌باشد که بین حقیقت و واقعیت دوگانگی قائل‌اند؛ «در سخنرانی هفتم کتاب پراگماتیسم»، زیر عنوان «فلسفه انسانی و حقیقت»، چند نکته جالب درباره واقعیت و حقیقت بیان می‌دارد، به نظر جیمز، واقعیت چیزی است که حقایق باید آن را در نظر گیرند یا بحساب آورند... «جان دیوئی، فیلسوف معروف آمریکائی مدرک حقیقت را تغییر موقعیت یا حل مسأله تلقی می‌کند. از نظر دیوئی، معرفت به معنی حقیقت و در اثر تحقیق بوجود می‌آید» (مأخذ پیشین ص ۱۵۰)

ریشه این کژراهه از زمان فرانسویس بیکن پیدا شده که بین دو اصطلاح (Reality) (واقعیت) و (True) (یا حقیقت) جدائی افکند، (رجوع به متن سخنرانی اینجانب در دانشکده فنی تهران ۱۳۷۱) در حالیکه در رئالیسم اسلامی، حق تعالی یا وجود الحق همان اصل واقعیت و تحقق محض است و همه حقایق و اعیان ثابت در حضرت علمیه، ظهورات حقه یا واقعات صادق هستند در برابر واقعات کاذبه که همان «کسر اب بقیعه یخسبها الظمان ماء» می‌باشد.

اشکال اساسی جهان بینی علمی (رجوع شود به جهان بینی توحیدی شهید مطهری قیمت نقد جهان بینی علمی؟) در دو قسمت: مطلق و مقید قابل طرح است، نخست اینکه جهان و یا مسائل کلی حقیقی و واقعی عالم را نمی‌توان به تجربه و آزمایش دریافت و نقائص مقید این نگرش بصورت نقائص ابزاری، ضرورت‌های زمانی مکانی، فشارهای روانی هدف ساز تحقیقات و پژوهش‌ها از طرف سرمایه‌گذاران (به کتاب ارزشمند علم تاریخ؛ جان برنال، ترجمه فارسی در ۲ جلد چاپ تهران مراجعه شود.) و یا جبرهای روانی محقق و دیگر اشکالات عدیده، عامل کاهنده اعتبار اجماع محققین با عملکردهای استعماری و استثمار مدعیان مالکیت جهان کاملاً مشهود است. ما در ضمن اینکه اعتبار نسبی ارزشمندی توافق نظر محققین را قبول داریم، حقانیت اجماع محققین که با صبغه‌های سیاسی صورت می‌گیرد را نمی‌پذیریم زیرا بقول مولانا:

چون غرض آمد، هنر پوشیده شد صد حجاب از دل بسوی دیده شد

مطلب سوم: اجماع فقهاء

در اصطلاح فقهاء و اصولیون، ادله اربعه، عبارتند از: کتاب (قرآن مجید) + سنت رسول

اکرم (ص) + عقل + اجماع.

این منابع چهارگانه استنباط احکام فقهی مورد قبول همه است جز اندک افراد پیرو (امین استرآبادی) صاحب کتاب «فوائد المدینه» رهبر مشرب اخباریه (رک)، آشنائی با علوم اسلامی شهید مطهری، تهران، صدرا، چاپ پنجم ۱۳۶۷، ج ۳ ص ۲۱) زیرا این مشرب که رجوع به قرآن را رد کرده و می گویند و معتقدند نمی شود به کنه قرآن پی برد، ایضاً رجوع به عقل و اجماع را نیز مردود می دانند چون عقل ناقص است و اجماع را علماء اهل تسنن ساختند، پس فقط به اخبار واحادیث بسنده کنیم، عمرو قلم، شریف تراز آنست که به نقد نظر منکرین اجتهاد و اعتبار عقل و اجماع عقلا پرداخته شود.

در این مقالت پیرامون سه منبع شریف: کتاب، سنت، عقل نمی پردازیم بلکه هدف شرح معتبر بودن اجماع فقهاء می باشد، عبارت دیگر، اجماع عقلانی مجتهدین در دانش احکام الهی در نظرگاه ما بدو لحاظ مورد توجه است:

یکی اینکه: اجتهاد یعنی فهم دقیق و استنباط عمیق، و فهم در اثر تفکر پدید آید و فهم علامت تعقل است. و از احادیث عظیمه منقول در کتاب شریف اصول کافی (کلینی، اصول کافی، ترجمه و شرح کره ای، جلد اول، کتاب اول: کتاب العقل و الجمل): «علامه العقل التفکر، و علامه التفکر، العلم» چنین برمی آید که عقل در اجتهاد کارآئی اساسی دارد و عقل یا جوهر دراک که هم ذاتاً و هم فعلاً مجرد از ماده (= مشوب به تباهی) است فرشته ایست معصوم و با آنچه که تجربیون تعریف کرده اند (=برآیند ترکیبی داده های تجربیات) متفاوت است لذا آنچه را که از دوائر حسی و خیالی فراتر رفته و به حاق مطلب و عین واقع و نفس الامر رسیده است، مقبول و ملاک اعتبار است.

و دیگر اینکه، چون قرآن مجید، معصوم است، عصمت ادراکی لازم است که تا حاق مطلب درک شود (=لایمسه الا المطهرون- سوره واقعه) و از طرفی، عقل بشری بلحاظ فقر ماهوی، توان اتصال مستقیم را ندارد لذا واسطه فیض می خواهد که در اثر برهان لطف وجودش لازم است و این همان امام معصوم (ع) می باشد که حائز عصمت ادراکی (آشنائی با آئین های بزرگ عبادی، واعظ جوادی، ص ۴۴) و قرآن ناطق است و همواره قمر گونه روی در خورشید حق دارد و انوار قاهره وجود الحق را منعکس می کند و فرشته عقل آنرا شهود کرده، برجان فقیه احکام الهی می تاباند و بدین ترتیب است که قول فقیه مجتهد شیعی معتبر شناخته می شود، و این همان نکته

اساسی منظور ما می باشد علیهذا، اجماع فقهاء که کاشف از قول معصوم (ع) باشد، معقول و مقبول می باشد و مرحوم مطهری (آشنایی با علوم اسلامی ج ۳ ص ۲۴ و ۲۵ باید افزود که اخبار یون در برخی موارد به استدلال عقلی روی می آورند منجمله در مبحث شک رجوع شود به مفتاح الاصول مرحوم صالحی ج ۳ ص ۳۲۵) می نویسد: از نظر علماء شیعه اجماع از آن نظر حجت است که اگر عموم مسلمین در یک مسأله وحدت نظر داشته باشند، دلیل بر این است که این نظر را از ناحیه شرع اسلام تلقی کرده اند، امکان ندارد که مسلمین در یک مسأله ای از پیش خود وحدت نظر پیدا کنند. علیهذا آن اجماعی حجت است که کاشف از قول پیغمبر یا امام باشد.

۵... از نظر شیعه، اجماعی حجت است که مستند به قول پیغمبر یا امام باشد و از این، دو

نتیجه گرفته می شود:

الف: از نظر شیعه تنها اجماع علماء معاصر پیغمبر یا امام حجت است...

ب: از نظر شیعه اجماع اصالت ندارد، یعنی حجیت اجماع از آن نظر نیست که اجماع و اتفاق آراء است؛ بلکه از آن نظر است که کاشف قول پیغمبر یا امام است اما از نظر علماء اهل تسنن، اجماع اصالت دارد یعنی اگر علماء اسلامی (و به اصطلاح؛ اهل حل و عقد) در یک مسأله در یک زمان (هر زمانی ولو زمان ما) وحدت نظر پیدا کنند حتماً نظرشان صائب است. مدعی هستند که ممکن است بعضی از امت خطا کنند و بعضی نه، اما ممکن نیست، همه بالاتفاق خطا نمایند...

مرحوم استاد، به نکته اشراقی که ذکر کردیم نپرداختند و در بیان مبسوط ایشان بصورت مقایسه ای بنظم معلوم می گردد که علت ضرورت کاشفیت از قول معصوم (ع) آنهم در عصر غیبت حجت (ع) همان فقر ماهوی و فقر وجودی (برای مطالعه این دو اصطلاح ژرف فلسفی رجوع شود به کتاب حدوث و قدم تألیف نگارنده چاپ دوم دانشگاه تهران ۱۳۶۰) عقل بشری می باشد لذا صرف اجماع و توافق نظر هر چند قابل احترام است ولی لازم الاتباع نیست. اما راجع به حکم عقلی در قاعده مشهور «قیح عقاب بلایان» بحث مبسوط لازم دارد که مجال دیگر می طلبد. (برای مطالعه بیشتر رجوع فرمائید به مفتاح الاصول مرحوم آیه الله صالحی مازندرانی قم، نشر صالحان ۱۴۲۵ هـ جلد سوم ص ۳۱۰) و همچنین جای بحث است که اجماع محصل باشد (= برای شخص فقیه مجاهد متبع در متون و اقوال، توافق نظر علما و نظر معصوم (ع) بالاجماع یقین حاصل شود) و یا اجماع منقول = به نقل

عالمی (که حکایت از اجماع علماء در یک مسأله‌ای بنماید) باشد در هر صورت بنظر این بنده ملاک، کاشفیت اشراق نور قاهر بر مشاهدمرائی نازله هست.

مرحوم علامه صالحی (ره) در عنوان «الاجماع المنقول» که از انحاء امارات است، راجع به انواع خمسه اجماع نقل و تقدی زیبا دارند که خلاصه آن چنین است. (همان مصدر، ج ۳ ص ۲۳۰-۲۲۴)

النوع الاول: ان یسمی بالاجماع الذخولی؛ منظور اتفاق جمیع و یا عده‌ای از علما که امام معصوم (ع) نیز داخل در آن اجماع بوده باشند و این نوع، در زمان غیبت میسر نیست.

النوع الثانی، ان یسمی بالاجماع التشریفی؛ یعنی که یکی از علما بمحضر امام (ع) مشرف شده باشد ولیکن نخواست اظهار مطلب کند ولی به انگیزه اخفاء تشرف، با عنوان (الاجماع) ابلاغ حکم کرد، این نوع هم مثل نوع اول است.

النوع الثالث: ان یسمی بالاجماع اللطفی؛ بموجب برهان لطف که وجود معصوم حجّت (ع) در هر عصری ضروری می‌باشد، حدس زده می‌شود که در جمع فقهاء متفق الرای باشند یا اینکه جمع، رأی امام را نقل کنند و این نوع هم مورد اشکالاتی قرار گرفت.

النوع الرابع: ان یسمی بالاجماع الحدسی؛ نظیر نوع سوم است که ناقل اجماع، حدس می‌زند که رأی معصوم (ع) چنین و چنان باشد، در این قسم، صاحب مصباح الاصول تشبیهی زیبا می‌آورد: (مصباح الاصول ج ۲ ص ۱۴۰) (بنقل از مفتاح الاصول ج ۳ ص ۲۲۸) وقتی که ارکان دولت و وزراء رأی واحدی پیدا کنند، برحسب عادت، موافق رأی سلطان است، باهمین تشبیه می‌شود حدس زد که فقهاء امامیه برخلاف نظر امام اجماع نخواهند کرد.

النوع الخامس: ان یسمی ایضا بالاجماع الحدسی، نه بموجب قاعده لطف و یا بملازمه عادت بلکه از باب ملازمه اتفاقیه، رأی امام معصوم (ع) موافق نظر اجماع نقل شده است مرحوم علامه صالحی مازندرانی پس از نقل و نقد انواع خمسه می‌فرمایند: حجّت این اجماعات به وجه کلی برای ما ثابت نشد... گاهی اتفاق می‌افتد که در مسأله‌ای دو نوع اجماع باشد، اجماع موافقین و اجماع مخالفین، و آنگاه می‌نویسند: «وقد تصدی الشیخ (الانصاری) قدس سره، لنقل بعض الموارد من تلك الاجماع» (فراجع کلامه (قدس سره)) (فراند الاصول ج ۱ ص ۲۰۴-۲۰۹)

باید این نکته را قید کنم که مرحوم علامه صالحی (وجه کلی) (مفتاح الاصول ج ۳ ص ۲۲۹) را قید کردند نه اینکه مطلق اجماع را رد کرده باشند و قطعاً اجماع کاشف از قول معصوم علیه السلام معقول و مقبول است. والسلام

فهرست منابع

۱. آشنائی با آئین‌های بزرگ عبادی: اسماعیل واعظ جوادی، قم، الاسراء، ۱۳۷۹
۲. آشنائی با علوم اسلامی: شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷، جلد سوم.
۳. اصول کافی: کلینی، ترجمه و شرح کمره‌ئی، ۴ جلدی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۴. اصول و فلسفه تعلیم و تربیت: علی شریعتمداری، تهران، امیرکبیر، چاپ شانزدهم ۱۳۷۹
۵. تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب: محمد تقی جعفری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۶. راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر، جمشید شریفیان، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
۷. فرائد الاصول: الشیخ الانصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی
۸. فلسفه حقوق بشر: آیه الله عبدالله جوادی آملی، قم، الاسراء چاپ دوم ۱۳۷۷.
۹. قوانین الاصول، المیرزا القمی، طهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۱۰. مفتاح الاصول؛ آیه الله صالحی مازندرانی، جلد سوم، قم؛ صالحان، ۱۳۸۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی